

قيام و ظهور

قیام و ظهور

وهابیون شبّهات زیادی را در مورد حضرت حجت (عج) وارد کرده اند که در بخشهای پیشین بعضی از شبّهات بیان و پاسخ داده شد و در این بخش شبّهات مربوط به دوران ظهور و حوادث آن مورد بررسی و نقد قرار میگیرد.

مقدمه

آخرین قسمت از شبّهات و سؤالات، مربوط به دوران ظهور و حوادث آن دوران است، مانند:

- 1- او عده زیادی را می کشد.
 - 2- او از فرزندان قاتلان امام حسین(علیه السلام) انتقام می کشد.
 - 3- او برای انتقام قیام می کند.
 - 4- او مردگان را از قبر بیرون می آورد و مجازات می کند.
 - 5- او کعبه و مساجد را خراب می کند.
 - 6- او قرآن جدید می آورد.
 - 7- او به حکم داود و سلیمان قضاوت می کند.
 - 8- روایات مدت حکومت او مختلف است.
- در این قسمت، به بیان دیدگاه شیعه پیرامون ظهور و حوادث آن دوران می پردازیم:

دوران ظهور

با ظهور موعود آسمانی، آخرین فصل زندگی بشر رقم می خورد. دورانی که پیامبران آسمانی وعده آمدنش را داده بودند. روزگار سبزی که بشر زیباترین دوره زندگی خود را تجربه خواهد کرد. انسانیت، عبودیت و بندگی و حرکت عموم انسان ها برای نیل به مقام قرب الهی اتفاق خواهد افتاد.

خداوند می فرماید: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ؛ خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند وعده می دهد که قطعاً آنان را حکمران روی زمین خواهد کرد، همان گونه که به پیشینیان آنها خلقت روی زمین را بخشید؛ و دین و آیینی را که برای آنان پسندیده، پابرجا و ریشه دار خواهد ساخت؛ و ترسشان را به امنیت و آرامش مبدل می کند، آن چنان که تنها مرا می پرستند و چیزی را شریک من نخواهند ساخت، و کسانی که پس از آن کافر شوند، آنها فاسقانند.» [1]

پیامبر گرامی اسلام(صلی الله علیه وآله) در مورد فراگیری عدالت در روزگار ظهور امام مهدی(عجل الله تعالی فرجه) فرمود:

شب و روز به پایان نمی رسند، جز اینکه خدای متعال مردی از خاندان مرا که هم نام من است برمی انگیزاند و زمین را پر از عدل و داد می کند همان گونه که مملو از ظلم و جور شده باشد. [2]

امام رضا(علیه السلام) فرمود:

خدا به واسطه وی زمین را از هر خلافتی پاک کند و از هر ستمی منزّه دارد... و چون خروج کند زمین به نور او درخشان گردد و ترازوی عدالت میان مردم بگذارد و هیچ کس به دیگری ستم نکند. [3]

امام باقر(علیه السلام) پیرامون فراگیری دین مبین اسلام در همه شهرها و مناطق زمین، در ذیل آیه شریفه «وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا» فرمود: «إِذَا قَامَ الْقَائِمُ لَا يَبْقَى أَرْضٌ إِلَّا نُودِيَ فِيهَا شَهَادَةٌ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ» هنگامی که قائم قیام کند زمین باقی نمی ماند مگر اینکه در آنجا شهادت به وحدانیت خدا و رسالت پیامبر اسلام ندا داده می شود. [4]

زمان ظهور

یکی از سئوالاتی که همواره ذهن بسیاری از مردم را به خود مشغول کرده این است که امام زمان(عجل الله تعالی فرجه) چه زمانی ظهور می کند و آیا برای ظهور وقتی تعیین شده است؟ پاسخ این است که براساس سخنان پیشوایان دینی زمان ظهور بر مردم مخفی است. امام باقر(علیه السلام) به یکی از اصحاب خود که از زمان ظهور سؤال کرد، فرمود: وقت گذاران دروغ می گویند، وقت گذاران دروغ می گویند، وقت گذاران دروغ می گویند. [5] امام صادق(علیه السلام) در این باره فرمود:

ما نه در گذشته برای ظهور وقتی را تعیین کردیم و نه در آینده وقت تعیین می کنیم. [6] بنابراین کسانی که برای ظهور، زمانی مشخصی را تعیین می کنند، فریب کار و دروغگو هستند. این مطلب در روایات مورد تأکید قرار گرفته است.

هنگامه قیام

همه می خواهند بدانند که در جریان قیام جهانی امام مهدی(عجل الله تعالی فرجه) چه حوادثی روی می دهد؛ حرکت امام از کجا و چگونه آغاز می شود؛ شیوه برخورد امام با گروه های مخالف چگونه است و بالاخره چگونه آن حضرت بر تمامی جهان غلبه خواهد کرد و رشته امور جهان را به دست خواهد گرفت. این گونه سؤال ها فکر و اندیشه هر انسان مشتاق ظهور را به خود مشغول می کند. ولی واقعیت این است که سخن گفتن درباره حوادث مربوط به ظهور، کاری بسیار مشکل است. چون گزارش دادن از آینده و اتفاقاتی است که هنوز واقع نشده است و به طور طبیعی نمی توان اطلاع دقیقی از آن رویدادها داشت.

بنابراین آنچه در این بخش می آوریم، حوادث و رخدادها را روزگار ظهور امام مهدی(عجل الله تعالی فرجه) است که برابر روایات در کتاب های متعدد نقل گردیده است و تنها می تواند دورنمایی کلی از رویدادهای ایام ظهور را پیش روی خوانندگان ترسیم کند.

وقتی ظلم و تباهی چهره عالم را سیاه و ظلمانی کرده است و آنگاه که ستمگران زمین را جولانگه بدی ها و نامردی ها ساخته اند و مظلومان جهان، دست یاری خواهی را به آسمان گشوده اند، ناگهان ندایی آسمانی سیاهی شب را می درد و ظهور موعود بزرگ را بشارت می دهد؛ [7] قلب ها به تپش می افتد و چشم ها خیره می گردد. شب پرستان، مضطرب و هراسان از طلوع صبح ایمان، در پی راه چاره ای هستند و منتظران مهدی(عجل الله تعالی فرجه) برای دیدار او و حضور در زمره یاوران او سر از پا نمی شناسند.

پس از شهادت نفس زکیه به فاصله کوتاهی، امام مهدی(عجل الله تعالی فرجه) در سیمای مردی جوان در مسجدالحرام ظهور می کند، در حالی که پیراهن مبارک پیامبر(صلی الله علیه وآله) را بر تن دارد و پرچم پیامبر(صلی الله علیه وآله) را به دست گرفته است. او به دیوار کعبه

تکیه می زند و در بین رکن و مقام [8] سرود ظهور را زمزمه می کند و پس از حمد و ثنای الهی و درود و سلام بر پیامبر و خاندان او می فرماید: «ای مردم ما از خدای توانا یاری می طلبیم و نیز هرکس از جهانیان را که به ندای ما پاسخ دهد به یآوری می خوانیم.» آنگاه خود و خاندانش را معرفی می کند و ندا می دهد: قَالَ اللهُ فِيْنَا لَا تَخْذُلُونَا وَأَنْصُرُونَا يَنْصُرْكُمْ اللهُ تَعَالَى؛ درباره رعایت حقوق ما، خدا را در نظر بگیرید. ما را [در میدان عدالت گستری و ستم ستیزی] تنها نگذارید و یاریمان کنید که خدا شما را یاری خواهد کرد.»

پس از پایان گرفتن سخنان امام، آسمانیان بر زمینیان سبقت می گیرند و گروه گروه فرود می آیند و با امام بیعت می کنند، در حالی که پیشاپیش آنها فرشته وحی، جبرئیل (علیه السلام) است. آنگاه 313 ستاره زمینی که از نقاط مختلف عالم به سرزمین وحی آمده اند [9] گرد خورشید تابناک امامت حلقه زده و پیمان وفاداری می بندند و این جریان سبز جاری است تا آنکه ده هزار سرباز جان برکف در اردوگاه امام (علیه السلام) حضور می یابند و با فرزند پیامبر (صلی الله علیه وآله) بیعت می کنند. [10]

امام (علیه السلام) با خیل یاوران، پرچم قیام را برافراشته و به سرعت بر مکه و اطراف آن مسلط می شوند و سرزمین پیامبر را از وجود ناهلان، پاک می کنند. آنگاه راهی مدینه می شود تا سایه عدالت و مهر را بر آن بگستراند. سپس عازم عراق گشته و شهر کوفه را به عنوان مرکز حکومت جهانی بر می گزیند و از آنجا به مدیریت قیام می پردازد و برای دعوت جهانیان به اسلام و زندگی در پرتو قوانین قرآن و در هم کوبیدن بساط ظلم و ستم، یاران و سپاهیان نور را به نقاط مختلف عالم گسیل می دارد.

امام (علیه السلام) یک به یک سنگرهای کلیدی جهان را فتح می کند. زیرا که علاوه بر یاران وفادار و مؤمن، از امداد فرشتگان الهی نیز برخوردار است و مانند پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله) از لشکر رعب و وحشت مدد می گیرد و خداوند توانا چنان ترسی از او و یارانش در دل های دشمنان می افکند که هیچ قدرتی را توان رویارویی با آن حضرت نیست. امام باقر (علیه السلام) فرمود:

قائم از ما به وسیله رُعب (وحشت در دل دشمنان) یاری می شود. [11]

گفتنی است یکی از نقاط جهان که به وسیله سپاه امام فتح می شود، بیت المقدس است. [12] واقعه بسیار مبارکی که اتفاق می افتد و در جریان قیام و انقلاب امام مهدی (علیه السلام) سرنوشت ساز است و جبهه آن حضرت را تقویت می کند، فرود آمدن حضرت عیسی (علیه السلام) از آسمان است. مسیح (علیه السلام) که به فرموده قرآن زنده است و در آسمان ها به سر می برد به زمین می آید و پشت سر امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه) به نماز می ایستد و بدین وسیله فضیلت و برتری پیشوای دوازدهم شیعیان را بر خود و پیروی خود را از امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه) به همگان اعلام می کند.

پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله) فرمود:

سوگند به آن کس که مرا به حق برانگیخت در حالی که بشارت دهنده مردمان باشم، اگر از عمر دنیا نمانده باشد مگر یک روز، خداوند آن روز را چنان طولانی می کند تا فرزندم مهدی (عجل الله تعالی فرجه) در آن قیام کند. پس از آن عیسی بن مریم (علیه السلام) فرود می آید و پشت سر مهدی (عجل الله تعالی فرجه) نماز می خواند. [13]

به دنبال این اقدام حضرت عیسی (علیه السلام) بسیاری از مسیحیان که جمعیت فراوانی از جهان را تشکیل می دهند به پیشوای شیعیان، ایمان می آورند. گویی خدا عیسی (علیه السلام) را برای چنان روزی حفظ کرده است تا چراغ هدایتی برای حق طلبان باشد. البته ظهور معجزات به دست هدایتگر حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه) و طرح مباحث فکری

برای راهنمایی بشریت از برنامه های انقلاب بزرگ مهدوی است که راه را برای هدایت مردم باز می کند.

در همین راستا امام(علیه السلام) الواح تورات تحریف نشده - کتاب مقدس یهود - را که در نقاط خاصی از دنیا دفن شده است، خارج می کند [14] و یهودیان که نشانه های امامت او را در الواح می بینند، به آن حضرت ایمان می آورند. پیروان ادیان دیگر نیز با مشاهده این تحول بزرگ و نیز شنیدن پیام حق امام و دیدن معجزات از آن حضرت، گروه گروه به آن حضرت می پیوندند و اینگونه است که وعده حتمی پروردگار محقق می گردد و اسلام عزیز همه عالم را می گیرد؛ همان گونه که قرآن کریم بشارت داده است: «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ» [15] و او خدایی است که پیامبرش را با (دلایل) هدایت و دین حق فرستاد تا (سرانجام) آن را بر همه دین ها غالب گرداند اگرچه مشرکان را خوش نیاید.

با توجه به تصویری که ترسیم شد، تنها قلدران و ظالمان می مانند که حاضر به تسلیم شدن در برابر حق و حقیقت نیستند و این عده در مقابل جریان غالب و اکثریت مؤمنان تاب مقاومت ندارند و با شمشیر عدالت مهدی(عجل الله تعالی فرجه) به کیفر اعمال ننگین خود خواهند رسید و زمین و اهل آن برای همیشه از شرّ و فساد آنها ایمن خواهد شد.

دستاوردهای حکومت امام مهدی(عجل الله تعالی فرجه)

در حکومت امام مهدی(عجل الله تعالی فرجه) اهدا، هدف هایی است واقعی و اصیل که ریشه در عمق وجدان های بشر دارد و همگان در آرزوی رسیدن به آن بوده اند و برنامه ها نیز براساس تعالیم قرآن و سنت معصومین تنظیم گردیده و در تمامی بخش ها ضمانت اجرایی برای آنها وجود دارد. بنابراین، دستاوردهای این انقلاب عظیم بسیار چشمگیر و قابل توجه است و دریک جمله باید گفت دستاوردهای حکومت امام مهدی(عجل الله تعالی فرجه) پاسخگوی تمام نیازهای معنوی و مادی بشر است که خداوند متعال در وجود انسان به امانت نهاده است. در اینجا با توجه به روایات، برخی از این دستاوردها را بیان می کنیم:

1. عدالت فراگیر

در روایات فراوان، مهم ترین ره آورد قیام و انقلاب حضرت مهدی(عجل الله تعالی فرجه) پرشدن جهان از عدالت و دادگری شمرده شده است. با حاکمیت قائم آل محمد(صلی الله علیه وآله) عدالت در همه سطوح جامعه به صورت یک جریان جاری در تمام شریان های اجتماع در می آید و هیچ نهاد و مجموعه کوچک یا بزرگی نمی ماند، مگر اینکه عدالت در آن حاکم خواهد شد و روابط افراد با یکدیگر براساس آن پی ریزی خواهد شد.

امام صادق(علیه السلام) در این باره فرمود:

به خدا قسم، عدالت را در خانه های مردم خواهد برد آنچنان که سرما و گرما به درون خانه ها نفوذ می کند. [16]

وقتی خانه که کوچک ترین نهاد در جامعه است به کانون عدالت تبدیل می شود و روابط افراد خانواده با یکدیگر عادلانه می گردد، حکایت از آن دارد که حکومت جهانی و عدل گستر مهدوی، نه با ابزار زور و قانون، بلکه براساس یک تربیت قرآنی که به عدالت و احسان فرمان می دهد، [17] افراد را پرورش می دهد و در فضایی این چنین، همگان به حکم وظیفه انسانی و الهی خود، حقوق دیگران را - گرچه از نظر رتبه و مقام، جایگاهی نداشته باشند - محترم می شمارند.

2. رشد فکری و اخلاقی و ایمانی

فراگیر شدن عدالت در جامعه به سبب تربیت صحیح افراد و رواج فرهنگ قرآن و عترت در جامعه است و در روایات ما به رشد فکری و اخلاقی و ایمان مردم در حاکمیت امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه) تصریح شده است. امام باقر (علیه السلام) فرمود:
وقتی قائم ما قیام کند دست (عنایت) خویش بر سر بندگان خدا نهد و به برکت آن، عقل و خرد آنها به کمال رسد. [18]

همه خوبی ها و زیبایی ها به دنبال کمال عقل انسان به دست می آید. زیرا، عقل، پیامبر درونی انسان است که در صورت حاکم بودن آن بر کشور جسم و جان، اندیشه و عمل آدمی به سوی صلاح و درستی خواهد رفت و مسیر بندگی پروردگار و نیل به سعادت هموار خواهد شد. از امام صادق (علیه السلام) سؤال شد که عقل چیست؟ فرمود:
عقل آن [حقیقتی] است که به سبب آن خداوند، عبادت می شود و به [راهنمایی] آن بهشت به دست می آید. [19]

3. اتحاد و همدلی

برابر روایات، جمعیتی که تحت حاکمیت جهانی امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه) بسر می برند، با هم متحد و صمیمی خواهند بود و در زمان برپایی دولت مهدوی جایی برای کینه و دشمنی نسبت به یکدیگر در دل های بندگان خدا نخواهد ماند. امام باقر (علیه السلام) فرمود:
وَلَوْ قَدْ قَامَ قَائِمُنَا... لَذَهَبَتِ الشُّحْنَاءُ، مِنْ قُلُوبِ الْعِبَادِ؛ وقتی قائم ما قیام کند، کینه از دل های بندگان برود. [20]

در آن زمان دیگر بهانه ای برای کینه توزی نیست. زیرا روزگار عدل و دادگری است و حقی از کسی ضایع نمی شود و روزگار خردورزی و تعقل است، نه عقل ستیزی و شهوت پرستی. [21]
بنابراین زمینه ای برای دشمنی و کینه جویی باقی نمی ماند و از این رو دل های مردم که تا پیش از این پراکنده و دور از هم بود، انس و الفت می یابد و همگان به برادری و اخوت قرآنی باز می گردند [22] و مانند برادران با یکدیگر همدل و مهربان می شوند. امام صادق (علیه السلام) در وصف روزگار سبز مهدوی فرمود:

[در آن ایام] خداوند بین قلوب پریشان و پراکنده، وحدت و الفت برقرار کند. [23]

اگر دست خدا در کار است، دیگر عجیب نیست که این همدلی و صمیمیت به جایی رسد که تصور آن در دنیای کنونی که بحران تضادها و کشمکش های مادی به اوج خود رسیده است، دشوار باشد. امام صادق (علیه السلام) فرمود:

وقتی قائم ما قیام کند، دوستی واقعی و صمیمیت حقیقی بیان می شود. هر نیازمندی دست می برد و از جیب برادر ایمانی اش به مقدار نیاز بر می دارد و برادرش او را منع نمی کند. [24]

4. سلامت جسمی و روانی

در دولت کریمه مهدوی که روزگار عدالت گستره و حکومت فضیلت ها و زیبایی هاست و روابط براساس برادری و برابری شکل می گیرد، بیماری های جسمی و روانی انسان از بین می رود و قوای بدنی و روحی انسان به طور شگفت انگیزی قوی و نیرومند می گردد. امام صادق (علیه السلام) فرمود:

هنگامی که حضرت قائم (علیه السلام) قیام کند، خداوند بیماری ها را از مؤمنان دور می سازد و تندرستی را به آنان باز می گرداند. [25]

در دولت آن سرور که دانش به گونه ای شگفت پیشرفت می کند، هیچ بیماری لاعلاجی نمی ماند و بهداشت و طب، رشد چشمگیری خواهد داشت و نیز به برکت وجود حضرت، بسیاری از بیماران شفا خواهند گرفت. امام باقر (علیه السلام) فرمود:

هر کس قائم اهل بیت مرا درک کند، اگر به بیماری دچار باشد، شفا می یابد و چنانچه دچار

ناتوانی باشد توانا و نیرومند می گردد. [26]

5. خیر و برکت فراوان

از دستاوردهای بزرگ حکومت قائم آل محمد (صلی الله علیه وآله) خیر و برکت فراوان و بی سابقه است. در بهار دولت او همه جا سبز و خرم گشته و نشاط و حیات می یابد. آسمان می بارد و زمین می رویاند و برکات الهی سرشار و بی شمار می گردد. امام صادق (علیه السلام) فرمود:

خداوند به سبب او (امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه)) برکات آسمان ها و زمین را جاری می کند. [در ایام دولت او] آسمان می بارد و زمین دانه می دهد. [27]

این تحول چشمگیر و فراوانی بی نظیر به جهت آن است که روزگار مهدی، زمان جوانه زدن نهال پاکی و تقوا و شکوفایی گل های ایمان است و مردم تحت تربیت الهی قرار گرفته و روابط خود را براساس ارزشهای خدایی انجام می دهند و خداوند وعده فرموده است که چنین محیط پاکی را از برکات و خیرات، سیراب گرداند. قرآن کریم در این زمینه می فرماید:

«وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ؛ اگر مردم شهرها ایمان آورده و تقوا پیشه می کردند [درهای] برکات آسمان و زمین را به رویشان باز می کردیم.» [28]

6. ریشه کن شدن فقر

وقتی همه منابع زمینی برای امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه) آشکار گردد و برکات آسمان و زمین بر مردم زمان او بی دریغ جریان یابد و به عدالت تقسیم گردد، جایی برای فقر و تهیدستی نمی ماند و بشریت در دولت امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه) برای همیشه از چنگال فقر و نداری رها می شود. [29]

در روزگار او روابط اقتصادی براساس برادری و برابری شکل می گیرد و اصل منفعت طلبی شخصی و سودجویی، جای خود را به حس دلسوزی و غمخواری و مواسات با برادران دینی می دهد و در این حال، همه به یکدیگر به عنوان اعضای یک خانواده نگاه می کنند و بوی یگانگی و یکرنگی در همه جا به مشام می رسد.

امام باقر (علیه السلام) فرمود:

(امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه)) هر سال دو بار به مردم می بخشد و در هر ماه دوبار به آنها روزی (و نیاز زندگی) عطا می کند و [در این کار] به مساوات بین مردم عمل می نماید تا اینکه [چنان مردم بی نیاز می شوند که] هیچ نیازمندی به زکات پیدا نمی شود! [30]

از روایات استفاده می شود که عدم نیازمندی مردم به جهت روحیه قناعت و بی نیازی روحی است. به بیان دیگر، پیش از آنکه مردم از بیرون، صاحب مال فراوان شوند و بی نیاز گردند، از درون، روح بی نیازی در آنها پیدا می شود و به آنچه خداوند از فضل خویش به آنها عطا کرده راضی و خشنود می گردند و بنابراین چشمی به اموال دیگران ندارند. پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله) در توصیف روزگار دولت مهدوی (عجل الله تعالی فرجه) فرموده است:

خداوند [روح] بی نیازی را در دل های بندگان قرار می دهد. [31]

این در حالی است که پیش از ظهور روحیه آزمندی و زیاده طلبی عامل مؤثری در رقابت های غلط و انباشتن اموال بر روی هم و انفاق نکردن آنها به نیازمندان بوده است.

خلاصه اینکه در زمان امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه) بی نیازی از بیرون خواهد بود. از سویی ثروت سرشار به عدالت تقسیم می گردد و از سوی دیگر قناعت، ویژگی اخلاقی مردمان می شود. پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) پس از اینکه درباره بخشش امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه) به مردم بیاناتی فرموده است، می افزاید:

و خداوند دل های امت محمد (صلی الله علیه وآله) را از بی نیازی پُر می کند و عدالت مهدوی

همه آنها را فرا می گیرد به گونه ای که [حضرت مهدی] (عجل الله تعالی فرجه) امر می کند تا ندا دهنده ای اعلام کند؛ چه کسی نیازمند مال است؛ پس کسی از میان مردم برنخیزد، مگر یک نفر. پس امام می فرماید: نزد خزانه دار برو و به او بگو: مهدی (صلی الله علیه وآله) به تو فرمان می دهد که به من مالی بدهی. پس خزانه دار به او می گوید: جامه ات را بیاور تا اینکه وسط جامه اش را پُر می کند و چون آن را بر دوش می کشد پشیمان می شود و می گوید: چرا در میان امت محمد (صلی الله علیه وآله) من از همه حریص تر باشم... پس مال را بر می گرداند، ولی از او قبول نمی شود و به او گفته می شود: ما آنچه عطا کردیم، باز پس نمی گیریم. [32]

7. حاکمیت اسلام و نابودی کفر

قران کریم در سه مورد وعده داده است که خداوند متعال دین مقدس اسلام را جهان گیر خواهد کرد: «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ» [33] و شکی نیست که وعده خداوند انجام شدنی و تخلف ناپذیر است چنانکه قرآن فرموده است: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَخْلِفُ الْمِيعَادَ». [34]

ولی روشن است که با وجود همه مجاهدت ها و تلاش های بی دریغ پیامبر (صلی الله علیه وآله) و اولیای خدا (علیهم السلام) تاکنون چنین رویداد مبارکی به وقوع نپیوسته است [35] و همه مسلمانان امید دارند که این روزگار فرا رسد و البته این آرزویی حقیقی است که ریشه در بیانات پیشوایان معصوم دارد.

بنابراین در سایه حاکمیت آن حجت پروردگار، بانگ «اشهد ان لا اله الا الله» که پرچم توحید است و نوای «اشهد ان محمداً رسول الله» که علم اسلام است، همه جا را فرا خواهد گرفت و اثری از شرک و کفر باقی نخواهد ماند.

امام باقر (علیه السلام) در توضیح آیه «وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّىٰ لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ» [36] فرمود:

تأویل [37] این آیه هنوز نیامده است و هرگاه قائم ما قیام کند، آن کس که زمان او را در یابد، تأویل این آیه را خواهد دید و هر آینه [در آن زمان] دین محمد (صلی الله علیه وآله) به هر کجا که شب می رسد، خواهد رسید (و عالم گیر خواهد شد) به گونه ای که بر سطح زمین، اثری از شرک نخواهد ماند، همان گونه که خداوند فرموده [وعده نموده] است. [38]

البته این جهان شمولی اسلام به سبب حقانیت اسلام است که در روزگار مهدی (عجل الله تعالی فرجه) هرچه بیشتر و بهتر آشکار خواهد شد و همگان را به خود جلب خواهد کرد، مگر آنان که از روی عناد و سرکشی سر به طغیان بردارند که با شمشیر عدل مهدوی که دست انتقام پروردگار است، مواجه خواهند شد.

آخرین نکته در این بخش آن است که این وحدت عقیدتی که در پرتو حکومت امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه) به دست می آید زمینه بسیار مناسبی برای تشکیل جامعه واحد جهانی است و جهان به دنبال همین اتحاد و یگانگی در اعتقاد، به یک قانون و نظام توحیدی تن می دهد و آن را می پذیرد و سپس در سایه آن، روابط فردی و اجتماعی خود را بر اساس معیارهایی که از یک عقیده و مرام گرفته شده است، تنظیم می کند و طبق این بیان، وحدت عقیدتی و جمع شدن همه مردم در زیر یک پرچم و دین واحد، یک ضرورت و نیاز جدی است که در حکومت امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه) حاصل خواهد شد.

8. امنیت عمومی

در حاکمیت امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه) که دوران فراگیری همه خوبی ها در همه عرصه های زندگی است، امنیت که از بزرگ ترین نعمت های الهی و از عالی ترین آرزوهای انسان

است، به دست می آید.

وقتی مردم از عقیده و مرامی واحد پیروی کنند و در روابط اجتماعی خود به اصول بلند اخلاقی پای بند باشند و عدالت در تمام شریان های حیات فردی و جمعی بشری جاری گردد، بهانه ای برای ناامنی و ترس در هیچ بخشی از زندگی باقی نمی ماند. در جامعه ای که هرکسی به حقوق الهی و انسانی خود می رسد و با تجاوز و حق کُشی - گرچه در طبقه حاکمان و در کمترین مقدار آن باشد - برخورد قانونی می شود، امنیت عمومی و اجتماعی شکل می گیرد. امام علی(علیه السلام) فرمود:

به دست ما [و در حکومت ما] روزگار سخت ها سپری می گردد... و چون قائم ما قیام کند، کینه ها از دل ها بیرون رود، حیوانات نیز با هم سازگاری کند. [در آن روزگار چنان محیط امنی ایجاد شود] که زن، با همه زیب و زیور خود، از عراق تا شام برود... و چیزی او را نترساند. [39]

البته برای ما که در روزگار بی عدالتی ها و آزمندی ها و کینه توزی ها بسر می بریم، تصور چنان دوران سبزی، بسیار دشوار است، ولی چنان که گفته شد اگر به عوامل آن همه بدی و زشتی بنگریم و بیندیشیم که این عوامل در حاکمیت حکومت حق ریشه کن خواهد شد، خواهیم دانست که وعده الهی در تحقق جامعه امن و آرام، حتمی است. خداوند متعال در قرآن کریم فرموده است:

خدا به کسانی از شما که ایمان آورده اند... وعده داده که به یقین در روی زمین، ایشان را خلیفه (و حاکم) گرداند... و پس از اینکه در ترس و نگرانی قرار داشتند، امنیت و آرامش را به ایشان عطا فرماید... [40]

و امام صادق(علیه السلام) در معنی این آیه فرمود:

این آیه درباره قائم(عجل الله تعالی فرجه) و یارانش نازل شده است. [41]

9. گسترش دانش

در دوران حکومت حضرت مهدی(عجل الله تعالی فرجه)، اسرار علمی فراوان در علوم اسلامی و انسانی آشکار می شود و دانش بشری به گونه ای غیرقابل تصور توسعه می یابد. امام صادق(علیه السلام) فرمود: علم و دانش، بیست و هفت حرف است و همه آنچه پیامبران آورده اند، تنها دو حرف آن است و مردم تاکنون جز با آن دو حرف آشنایی ندارند و هنگامی که قائم ما قیام کند، بیست و پنج حرف دیگر را بیرون آورده و در میان مردم گسترش دهد و آن دو حرف را نیز به آنها ضمیمه ساخته و مجموع بیست و هفت حرف را منتشر خواهد کرد. [42]

بیان چند مطلب

احیاء کتاب و سنت

پس از آنکه در اعصار طولانی، قرآن غریب و تنها مانده و در حاشیه زندگی به فراموشی سپرده شده بود، در زمان حکومت آخرین حجت الهی تعالیم حیات بخش قرآن به زندگی بشر وارد می شود و سنت که همان گفتار و رفتار پیشوایان دینی ست در همه جا به عنوان بهترین الگوی حیات انسانی مطرح می گردد و عملکرد همگان با معیار خدشه ناپذیر قرآن و عترت ارزیابی می شود.

امام علی(علیه السلام) در بیانی رسا حکومت قرآن امام مهدی(عجل الله تعالی فرجه) را چنین توصیف کرده است:

در روزگاری که هوای نفس حکومت می کند [امام مهدی(عجل الله تعالی فرجه) ظهور می کند و هدایت و رستگاری را جایگزین هوای نفس می سازد و در عصری که نظر شخصی بر قرآن مقدم شده است، افکار را متوجه قرآن می گرداند و آن را حاکم بر جامعه می سازد. [43]

و نیز در بیانی دیگر، آن حضرت دوران ظهور قرآن و حضور آن را در زندگی بشر چنین بشارت داده است:

...گویی هم اکنون شیعیان خود را می بینم که در مسجد کوفه، خیمه ها زنده اند و قرآن را بدان گونه که نازل شده به مردم می آموزند... [44]

یاد دادن و یاد گرفتن قرآن نقطه شروعی برای ترویج فرهنگ قرآنی و حاکمیت قرآن و احکام آن در همه حوزه های فردی و اجتماعی است. خداوند متعال، امام مهدی(علیه السلام) را برای تحقق بخشیدن به پیام های قرآن و اجرای سنت پیامبر در جامعه به حکومت می رساند. از این رو، حرکت حضرت مهدی(علیه السلام) براساس کتاب خدا و سنت پیامبر اسلام است. در روایتی از امام صادق(علیه السلام) آمده است: رسول خدا(صلی الله علیه وآله) فرمود: قائم، از اولاد من است، اسمش اسم من و کنیه اش کنیه من و شمائلش، شمائل من و سنتش، سنت من است. مردم را به فرمانبرداری من و شریعت من، وا می دارد و به کتاب پروردگارم فرامی خواند. هرکس، او را اطاعت کند، مرا اطاعت کرده است و هرکس از او نافرمانی کند، مرا نافرمانی کرده است. [45]

به تصریح این روایت و روایات متعدد دیگر، کتاب امام زمان(عجل الله تعالی فرجه) همان قرآن است و به آن عمل می کند و سنت او نیز همان سنت پیامبر اسلام حضرت محمد(صلی الله علیه وآله) است.

البته در برخی روایات آمده است امام زمان(عجل الله تعالی فرجه) امر جدید می آورد، و به کتاب جدید عمل می کند؛ از جمله نعمانی در کتاب الغیبه خود آورده است:

يقوم القائم بامر جديد و كتاب جديد و قضاء جديد...؛ قائم، با امر جدید و کتاب جدید و قضای جدید قیام می کند. [46] اینکه مراد از کتاب در اینگونه احادیث چیست، چندان روشن نمی باشد.

سید محمد صدر(رحمه الله) در توجیه عبارت «کتاب جدید» می نویسد:

مراد از کتاب جدید، آن است که امام زمان(علیه السلام) برای مردم تفسیر جدیدی از کلام و کتاب خدا، قرآن، ارائه می دهد؛ تفسیری که بسیار عمیق است. یا این که حضرت مهدی(علیه السلام) قواعد عام جدیدی را در تفسیر قرآن کریم، بیان می کند که روش تازه ای در تفسیر و فهم قرآن به حساب می آید. [47]

در تبیین این قبیل روایات با توجه به اینکه از الفاظ متفاوت «امر، کتاب، قضاء، سنت» استفاده شده است می توان گفت:

الف) فهم قرآن و تفسیر آن و پی بردن به پیام های باطنی قرآن، کار هرکسی نیست. با این که در عصر غیبت، علمای اسلام زحمات زیادی در تفسیر و تبیین قرآن کریم کشیده اند، اما چون در عصر غیبت بوده و دسترسی به امام غائب(علیه السلام) تقریباً غیرممکن بوده است، بنابراین نتوانسته اند به بسیاری از حقایق قرآن آگاه شوند؛ اما چون حضرت مهدی(علیه السلام) به همه اسرار کتاب الهی آگاه ست در پرتو هدایت های اسرار و حقایق مکنون قرآن در اختیار بشر قرار می گیرد. به باور ما در قرآن، هر چیزی که مورد نیاز هدایت بشر باشد وجود دارد و امام زمان(علیه السلام) همه آن ها را بیان می کند و به مرحله عمل در می آورد. بر این اساس، کتاب جدید، یعنی تفسیر و بیان حقایقی که تا آن زمانی کسی آن ها را بیان نکرده ست و یا تأسیس قواعد و اصولی در تفسیر که تا آن زمان بی سابقه بوده است.

ب) در زمان بیت، بدعت هایی در دین پدید می آید و احکامی از قرآن و اسلام طبق میل مردم، تأویل و تفسیر می شود. بعضی از حدود و احکام چنان فراموش میشود که گویا اصلاً از اسلام نبوده است؛ وقتی امام مهدی(علیه السلام) ظهور کرد، بدعت ها را باطل و احکام خدا را همان

گونه که صادر شده است، آشکار می سازد و تجدید آنها به مثابه دین جدید تلقی می شود. (ج) در دوران پس از رحلت پیامبر و خانه نشینی اهل بیت و به دنبال آن، غیبت آخرین وصی پیامبر(علیهم السلام) فرهنگ دین مردم دچار دگرگونی شده و باورها و رفتارهای غیردینی به عنوات روش و فرهنگ اسلامی در بین مردم رواج یافته است. نگاهی گذرا به تاریخ اسلام و وضعیت کنونی جوامع اسلامی شاهدهی روشن بر فاصله گرفتن مردم از فرهنگ دینی ایجاد شده توسط پیامبر اسلام است. در زمان ظهور، مردم با روبرو شدن با فرهنگ دینی نبوی، گویا با فرهنگ دینی جدیدی مواجه می شوند.

(د) دوران ظهور، برخلاف سایر دوران های زندگی بشری، پایانی کامل و تمام بر جریان های باطل و الحادی زده می شود. سنت امام مهدی(علیه السلام) برخلاف سنت نرمش پیامبر، برخورد قاطع و کوبنده با فساد و تباهی در سراسر عالم است. در آن روزگار هیچ مشرکی وجود نخواهد داشت و حکومت های طاغوت به شکل کامل منهدم می شود. بنابراین با پایان یافتن مهلت دوره باطل گرایی، امام مهدی با دستور و امر جدید الهی، مأموریت دارد بساط کفر را برای همیشه از روی زمین محو کند.

(ه) براساس روایات، امام مهدی(عجل الله تعالی فرجه) در مواردی از روش حضرت داود(علیه السلام) استفاده کرده و بر پایه علم الهی که در اختیار دارد قضاوت می کند که در نوع خود بی سابقه بوده و قضاء جدید تلقی می شود.

نوسازی و بازسازی مساجد

مساجد کانون اصلی اجتماعات اسلامی و رشد معنوی مردم محسوب می شود. پیامبر اسلام به عنوان اولین اقدام دینی در هجرت به مدینه، مسجد قبا و سپس مسجد النبی را ساختند. لذا مسجد جایگاه خاصی در دین اسلام داشته و مورد تأکید فراوان است. در روایت از امام صادق(علیه السلام) نقل شده است:

إِذَا قَامَ قَائِمٌ آلِ مُحَمَّدٍ بَنَى فِي ظَهْرِ الْكُوفَةِ مَسْجِدًا لَهُ أَلْفُ بَابٍ؛ هنگامی که قائم آل محمد(علیهم السلام) قیام کند در پشت کوفه مسجدی بنا کند که (از نظر وسعت) هزار درب دارد. [48]

در اینجا تذکر دو نکته لازم است:

اول؛ از تاریخ و روایات استفاده می شود کعبه، قبله گاه موحدان و مؤمنان، به علت سیل و حملات دشمنان چندین بار تخریب شد (از جمله در سال 35 عام الفیل یعنی 5 سال قبل از بعثت پیامبر) و در بازسازی، دچار تغییراتی شده و اندازه آن با آنچه حضرت ابراهیم(ع) ساخته بودند، تفاوت پیدا کرده است. اهل سنت در صحیح ترین کتاب های خود نقل کرده اند که رسول خدا(صلی الله علیه وآله) می خواست خانه کعبه فعلی را ویران نموده و آن را به محلی که خود حضرت ابراهیم(علیه السلام) ساخته بود، برگرداند؛ چرا که مشرکان در طول تاریخ بارها خانه کعبه را تعمیر و بر اثر نادانی و جهل و... تغییراتی در آن به وجوه آورده بودند که رسول خدا(صلی الله علیه وآله) می خواست آن را خراب و به اندازه اصلی اش برگرداند؛ اما از آنجایی که قریشیان تازه مسلمان شده بودند و زیر بار چنین چیزی نمی رفتند، رسول خدا از این کار صرف نظر نمود. بخاری در صحیحش می نویسد: از عایشه همسر رسول خدا(صلی الله علیه وآله) روایت شده است که آن حضرت فرمود:

آیا نمی دانی که قوم تو وقتی کعبه را ساختند آن را از پایه هایی که حضرت ابراهیم قرار داده بود که کوچک تر گرفته اند؟ گفتم: چرا شما آن را به حالت اول باز نمی گردانید؟ فرمود: اگر قوم تو تازه مسلمان نبودند (ایمانشان قوی بود) چنین می کردم. [49]

در روایت دیگر می نویسد: از عایشه روایت شده است که رسول خدا(صلی الله علیه وآله) به

او فرمود:

اگر قوم تو تازه از کفر جدا نشده بودند، دستور میدادم که کعبه را خراب کنند و آن مقدار از کعبه را که از آن بیرون مانده است، وارد آن می کردم و کف آن را با زمین هم سطح و برای آن دو در از شرق و غرب قرار می دادم و آن را مانند زمان حضرت ابراهیم درست می کردم. [50]

مسلم نیشابوری نیز در صحیح خود به این روایات اشاره می کند. [51]

ابن ماجه قزوینی در روایتی می نویسد: از عایشه روایت شده است که گفت:

از رسول خدا (صلی الله علیه وآله) در مورد حجر (اسماعیل) سؤال کردم؛ فرمود: داخل خانه کعبه است؛ پرسیدم پس چرا آن را وارد کعبه نکرده اند؟ فرمود: نتوانستند سرمایه این کار را تأمین کنند. گفتم: چرا درب آن این مقدار بالا است که تنها با نردبان به آن می توان رسید؟ فرمود: قوم تو اینگونه کردند تا هر آن کس را می خواهند به کعبه وارد کنند و جلوی هرکس را که خواستند بگیرند. و اگر این نبود که قوم تو تازه از کفر جدا شده اند - زیرا می ترسم که دل های ایشان (از دین) رمیده شود - در این مورد که کعبه را تغییر داده و آن مقدار را که از آن بیرون مانده است وارد کعبه نمایم و در آن را با زمین یکسان کنم، تصمیم می گرفتم. [52]

بنابراین، بازسازی کعبه به صورتی که ابراهیم خلیل (علیه السلام) ساخته بود توسط جانشین و خلیفه پیامبر، امام مهدی (علیه السلام) امر عجیبی نخواهد بود.

ابوبصیر گوید: امام صادق (علیه السلام) فرمود:

آنگاه که قائم (علیه السلام) قیام کند مسجد الحرام را خراب کند تا به اساس و پایه های (اصلی) آن بازگرداند، و مقام (ابراهیم (علیه السلام)) را به جای اولی خود که در آن بوده بازگرداند. [53]

ابوبصیر گوید: امام صادق (علیه السلام) فرمود:

آنگاه که قائم (علیه السلام) قیام کند، بیت الحرام، مسجد النبی و مسجد کوفه را به اساس و پایه های اصلی آن برمی گرداند. [54]

دوم؛ از نظر اسلام تخریب مساجد در مواردی مجاز و حتی لازم است. تاریخ پرفراز و نشیب صدر اسلام اتفاقات قابل تأملی را پشت سر گذاشت که برای آیندگان بسیار درس آموز است. سرزمین قبا در زمان رسول خدا (صلی الله علیه وآله) دو مسجد به خود دید؛ یکی به دستور پیامبر ساخته شد و حتی ایشان در بنای آن مشارکت داشتند. این مسجد به مسجد تقوا معروف است و دیگری به دستور پیامبر خراب شد و آن بزرگوار در تخریب آن حضور داشتند. داستان این مسجد که به «مسجد ضرار» معروف است، همراه با مسجد تقوا در قرآن آمده است.

«وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا وَكُفْرًا وَتَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ وَإِرْصَادًا لِمَنْ حَارَبَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ مِنْ قَبْلُ وَلَيَحْلِفْنَ إِنْ أَرَدْنَا إِلَّا الْحُسْنَىٰ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ * لَا تَقُمْ فِيهِ أَبَدًا لِمَسْجِدٍ أُسِّسَ عَلَىٰ التَّقْوَىٰ مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ فِيهِ رَجُلٌ يَجْعَلُونَ أَنْ يَتَطَهَّرُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُطَهَّرِينَ * أَقَمْنَا أُسْسَ بُنْيَانِهِ عَلَىٰ تَقْوَىٰ مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٍ خَيْرٍ أَمْ مَنْ أُسِّسَ بُنْيَانُهُ عَلَىٰ شَفَا جُرْفٍ هَارٍ فَانْهَارَ بِهِ فِي نَارِ جَهَنَّمَ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ * لَا يَزَالُ بُنْيَانُهُمُ الَّذِي بَنَوْا رِيبَةً فِي قُلُوبِهِمْ إِلَّا أَنْ تَقَطَّعَ قُلُوبُهُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ» [55] (گروهی دیگر از آنها) کسانی هستند که مسجدی ساختند برای زیان (به مسلمانان) و (تقویت) کفر و تفرقه افکنی میان مؤمنان و کمینگاه برای کسی که از پیش با خدا و پیامبرش مبارزه کرده بود؛ آنها سوگند یاد می کنند که جز نیکی (و خدمت)، نظری نداشته ایم، اما خداوند گواهی می دهد که آنها دروغگو هستند. * هرگز در آن (مسجد به عبادت) نایست! آن مسجدی که از روز نخست بر پایه تقوا بنا شده، شایسته تر است که در آن (به عبادت) بایستی؛ در آن، مردانی هستند که دوست می دارند پاکیزه باشند و خداوند پاکیزگان را دوست دارد! * آیا کسی که شالوده آن را بر تقوای الهی و خشنودی او بنا

کرده بهتر است یا کسی که اساس آن را برکنار پرتگاه سستی بنا نموده که ناگهان در آتش دوزخ فرو می ریزد؟ و خداوند گروه ستمگران را هدایت نمی کند. * (امّا) این بنایی را که آنها ساختند، همواره به صورت یک وسیله شک و تردید، در دل هایشان باقی می ماند؛ مگر اینکه دل هایشان پاره پاره شود (و بمیرند؛ و گرنه، هرگز از دل آنها بیرون نمی رود) و خداوند دانا و حکیم است.

در روایات آمده است که امام مهدی(عجل الله تعالی فرجه) چهار مسجد را در کوفه خراب می کنند. ابوبصیر نقل می کند:

هنگامی که قائم ما قیام کند چهار مسجد را در کوفه ویران می سازد. [56]
گویا مراد از اینها چهار مسجدی است که به علت شهادت امام حسین(علیه السلام) ساخته شده است. از امام باقر(علیه السلام) نقل شده است:

در کوفه به دلیل شادی از کشتن حسین(علیه السلام) چهار مسجد ساخته شد: مسجد اشعث، جریر، سماک و شیبث بن ربیع. [57]

این مساجد اگر چه هم اکنون موجود نیست ولی ممکن است بعدها گروهی از روی دشمنی با اهل بیت(علیه السلام) آنها را دوباره بسازند.

همچنین در روایت آمده است در دوران ظهور، مساجد بازسازی شده و مانند زمان پیامبر نوسازی می شوند. ابوبصیر نقل می کند:

همه مساجد به گونه ای ساخته می شود که هیچ بلندی و اشرافی (نسبت به خانه های همسایگان) نداشته باشد مانند زمان پیامبر. [58]

ابوهاشم جعفری نقل کرده که گفت: روزی در خدمت حضرت امام حسن عسکری(علیه السلام) بودم. حضرت فرمود:

هنگامی که قائم قیام کند، دستور می دهد مناره ها و اتاق هائی را که در مساجد می سازند، خراب نمایند. من پیش خود گفتم: چرا قائم چنین کاری می کند؟ ناگاه امام حسن عسکری(علیه السلام) رو کرد به جانب و من و فرمود: معنی این کار این است که اینها چیز تازه و بدعتی است که پیغمبری و امام آن را نساخته است. [59]

کیفیت قضاوت امام مهدی(عجل الله تعالی فرجه)

بررسی روایات مربوط به سیره و روش امام مهدی(علیه السلام) حاکی از هماهنگی سنت ایشان با سائر اهل بیت(علیهم السلام) است. از پیامبر اعظم(صلی الله علیه وآله) نقل شده است:

سننه سنتی یقیم الناس علی ملتی و شریعتی و یدعوهم الی کتاب ربی عزوجل؛ سیرت و سنت او سیرت و سنت من است، مردم را بر دین و آیین من به پا خواهد داشت و آنان را به کتاب پروردگارم دعوت می کند. [60]

از امام صادق(علیه السلام) نیز آمده است:

ان قائمنا اهل البیت اذا قام لبس ثياب علی و سار بسیرة علی؛ همانا قائم ما اهل بیت هنگامی که قیام کند [همچون] لباس علی(علیه السلام) می پوشد و به سیره علی(علیه السلام) عمل می کند. [61]

با توجه به سیره این بزرگواران و تاریخ زندگی ایشان روشن می شود که حرکت حکومتی ایشان براساس دستورات خداوند می باشد. خداوند برای رسیدن به اهداف و از جمله آنها قضاوت عادلانه و دادن حق به صاحبش، راه و روشی قرار داده است که منطبق بر عقل و فطرت انسانی نیز می باشد؛ البته انبیا و اولیای خدا در مواردی که صلاح بود از خارق عادت و علم ویژه خود نیز بهره می بردند، همان گونه که قضاوت های حیرت انگیز امام علی(علیه السلام) و یا

حضرت داود(علیه السلام) در کتاب ها ذکر شده است. روایات متعددی از امام صادق(علیه السلام) نقل شده است که امام مهدی(علیه السلام) نیز در قضاوت نمودن در مواردی، از شیوه حضرت داود و سلیمان(علیهم السلام) نیز بهره می برد که به چند روایت اشاره می کنیم:

لَا تَذْهَبُ الدُّنْيَا حَتَّى يَخْرُجَ رَجُلٌ مِّنِّي رَجُلٌ يَحْكُمُ بِحُكْمِ آلِ دَاوُدَ وَ لَا يَسْأَلُ عَن بَيْنَةٍ يُعْطَى كُلَّ نَفْسٍ حُكْمَهَا؛ دنیا تمام نمی شود تا اینکه مردی از (نسل) من خروج کرده به (نوع) حکومت آل داود حکم می کند و دلیل نمی خواهد و حکم هر کس را می دهد.[62]

در حدیث دیگری از ایشان نقل شده است:
إِذَا قَامَ قَائِمٌ آلِ مُحَمَّدٍ حَكَمَ بِحُكْمِ دَاوُدَ وَ سُلَيْمَانَ لَا يَسْأَلُ النَّاسَ بَيْنَةً؛ هنگامی که قائم آل محمد(صلی الله علیه وآله) قیام کند به (مانند حکم کردن حضرت داود(علیه السلام) و حضرت سلیمان(علیه السلام) حکم می کند [یعنی] گواه از مردم نمی خواهد.[63]

انتقام از قاتلان امام حسین(علیه السلام)

خداوند سبحان دارای اسما و صفات گوناگون است که در قرآن کریم به آنها اشاره شده است. یکی از صفات الهی که در کنار رحمت و لطف خداوند مورد توجه قرار گرفته، صفت «انتقام» است؛ «إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ ذُو انْتِقَامٍ»؛ [64] انتقام از دشمنان خدا و دین او و اولیای الهی، علاوه بر عالم آخرت، در دنیا نیز اجرا می شود؛ «وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ رُسُلًا إِلَى قَوْمِهِمْ فَجَاءُوهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَاَنْتَقَمْنَا مِنَ الَّذِينَ أَجْرَمُوا وَكَانَ حَقًّا عَلَيْنَا نَصْرَ الْمُؤْمِنِينَ؛ و پیش از تو پیامبرانی را به سوی قومشان فرستادیم. آنها با دلایل روشن به سراغ قوم خود رفتند، ولی (هنگامی که اندررها سودی نداد) از مجرمان انتقام گرفتیم (و مؤمنان را یاری کردیم) و یاری مؤمنان، همواره حقی است بر عهده ما» [65]

بنابراین انتقام گرفتن از دشمنان خدا از سنن الهی و افعال اوست. فعل انتقام می تواند مستقیماً توسط خداوند انجام شود: «فَاَنْتَقَمْنَا مِنْهُمْ فَأَغْرَقْنَاهُمْ فِي الْيَمِّ يَأْتُهُمْ كَذْبُؤًا يَأْتَانَا وَكَانُوا عَنْهَا غَافِلِينَ؛ سرانجام از آنها انتقام گرفتیم و آنان را در دریا غرق کردیم. زیرا آیات ما را تکذیب کردند و از آن غافل بودند.» [66] همچنین می تواند این عذاب به دست دوستان الهی اتفاق بیفتد: «فَاتَّوهُمُ يَعَذِّبُهُمُ اللَّهُ بِأَيْدِيكُمْ وَيُخْزِهِمْ وَيَنْصُرْكُمْ عَلَيْهِمْ وَيَشْفِ صُدُورَ قَوْمٍ مُّؤْمِنِينَ؛ با آنها پیکار کنید که خداوند آنان را به دست شما مجازات می کند و آنان را رسوا می سازد و سینه گروهی از مؤمنان را شفا می بخشد (و بر قلب آنها مرهم می نهد).» [67]

در روایات نقل شده است خداوند به وسیله امام مهدی(عجل الله تعالی فرجه) و مؤمنان و یاران همراهش از دشمنان خود انتقام می گیرد. از امام صادق(علیه السلام) از پیامبر اکرم(صلی الله علیه وآله) نقل شده است:

وقتی من به معراج برده شدم، خداوند به من وحی نمود... و در مورد قائم گفت: این قائم کسی است که حلال مرا حلال و حرام مرا حرام می کند و به دست او از دشمنانم انتقام می گیرم، و او راحت (و آسایش) برای دوستان من است و اوست که دل های شیعیان را از جور و ظلم ظالمین، منکرین و کافرین نجات و شفا خواهد داد. [68]

از جمله موارد انتقام از دشمنان خدا، پیگیری خون به ناحق ریخته شده اهل بیت و ستم هایی است که بر خاندان پیامبر گذشته است. از امام صادق از پدران بزرگوارش از حضرت امیرالمؤمنین علی(علیه السلام) نقل شده است:

قسم به خدا که من و این دو فرزندم کشته می شویم و خداوند مردی از اولاد مرا در آخرالزمان برمی انگیزد تا خون های ما را پیگیری کند. [69]

در این میان انتقام از دشمنان امام حسین(علیه السلام) به صورت خاص پیگیری می شود. از

امام صادق(علیه السلام) نقل شده است:

چون کار حسین چنان شد که شد (اصحاب و جوان هایش کشته شدند و خودش تنها ماند) فرشتگان به سوی خدا شیون و گریه برداشتند و گفتند: با حسین برگزیده و پسر پیغمبرت چنین رفتار کنند؟ پس خدا سایه قائم(علیه السلام) را به آنها نشان داد و فرمود: با این، انتقام او را می گیرم.[70]

لازم به ذکر است انتقام از دشمنان امام حسین(علیه السلام) تنها به کشتن افرادی که در محرم سال 61 در صحرای کربلا حضور داشتند، نیست، بلکه شامل افرادی نیز می شود که به آن کار رضایت داشته و در مسیر دشمنی با امام حسین(علیه السلام) گام بر می دارند. اینان کسانی هستند که با راه امام حسین(علیه السلام) و هدف او مخالف هستند و اکنون نیز با خواست آن حضرت (طلب اصلاح در امت پیامبر) دشمنی ورزیده و مقابله می کنند.

راوی می گوید: به امام رضا(علیه السلام) عرض کردم: ای پسر رسول خدا! چه می فرماید در مورد حدیثی که از امام صادق(علیه السلام) نقل شده است «هنگامی که قائم خروج کند فرزندان قاتلان امام حسین را به فعل پدرانشان می کشد»؟ فرمود: چنین است، عرض کردم: پس معنای کلام خدای متعال «وَلَا تَرُّوْا زَرْوَةً وَوَزَرَ أُخْرَى؛ و هیچ کس بار گناه دیگری را به دوش نمی کشد» [71] چیست؟ فرمود: خداوند در همه اقوالش راست گفت، ولی فرزندان قاتلان امام حسین به فعل پدرانشان راضی بوده و به آن افتخار می کردند و کسی که به کاری راضی باشد، مانند کسی است که آن را انجام داده است و اگر مردی در مشرق کشته شود و مردی در مغرب به آن قتل راضی باشد، نزد خداوند شریک قاتل است. و به درستی که قاتل هنگام خروج، آنان را می کشد زیرا به فعل پدرانشان راضی هستند.[72]

فقط کشتن دشمنان خدا

آنچه نباید مورد غفلت واقع شود این است که جنگ و نبردهای امام مهدی(علیه السلام) فقط با دشمنان خدا خواهد بود، نه سایر بندگان که ممکن است به خاطر جهل و نادانی از خدا فاصله گرفته اند. زیرا اینان با شنیدن پیام حضرت و آگاهی هایی که صورت می پذیرد با حقیقت آشنا شده و به طرف خدا باز می گردند. البته دشمنان و مخالفان و منافقان که از روی علم و آگاهی به مخالفت برخاسته و لجاجت می ورزند و به دنبال خاموش کردن نور خدا هستند در جنگ با حضرت، راه به جایی نبرده و در برابر لشکر الهی امام مهدی(صلی الله علیه وآله) مغلوب و مقتول خواهند شد.

«بَرِيدُونَ أَنْ يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ يَأْفُواهُمْ وَيَأْبَى اللَّهُ إِلَّا أَنْ يَتِمَّ نُورُهُ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ * هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ»؛ آنها می خواهند نور خدا را با دهان خود خاموش کنند ولی خدا جز این نمی خواهد که نور خود را کامل کند هرچند کافران ناخشنود شوند. او کسی است که رسولش را با هدایت و دین حق فرستاد تا آن را بر همه آیین ها غالب گرداند هرچند مشرکان کراهت داشته باشند.[73]

در روایتی در ذیل آیه شریفه از امام صادق(علیه السلام) نقل شده است:

به خدا سوگند تاویل این آیه هنوز نشده است و نازل نمی شود تا آنکه قائم(علیه السلام) خروج کند، پس هنگامی که قائم(علیه السلام) خروج کرد، کافران به خدای بزرگ و مشرکان به امام را ناخوش آید و اگر کافر یا مشرکی در دل صخره ای باشد، آن صخره بگوید: ای مؤمن! در دل من کافری است مرا بشکن و او را بکش.[74]

از روایت به خوبی استفاده می شود که دشمنان خدا از ظهور امام زمان ناراحت شده و سرتسلیم در برابر او فرود نمی آورند و لذا وارد جنگ می شوند و چون شکست می خورند، فراری و متواری شده و خود را به جای تسلیم کردن، مخفی می کنند. ولی در آن روزگار محل

امنی نخواهد بود و چاره ای جز تسلیم و یا مرگ نخواهد بود. زیرا رها کردن اینان باعث می شود دوباره تجدید قوا کرده و جنگ دیگری با امام برپا کنند و فساد و خرابی به بار آورند. در این میان روایاتی وجود دارد که ظاهر آنها از برخورد شدید امام مهدی (علیه السلام) با اعراب حکایت دارد؛ به عنوان نمونه، شخصی به نام رفید از امام صادق (علیه السلام) نقل می کند: «قائم با اعراب شدید و تند خواهد بود» [75]

در روایت دیگر، حسن بن علی بن ابی حمزه بطائنی از امام صادق (علیه السلام) نقل می کند: هرگاه قائم قیام نمود، بین او و اعراب و قریش، جز شمشیر نخواهد بود و جز شمشیر از آنان نمی گیرد. [76]

همچنین ابی حمزه ثمالی از امام باقر (علیه السلام) روایت کرده است: قائم قیام نمی کند مگر... با شمشیر برنده ای بین اعراب و اختلاف شدیدی بین مردم. [77] در مورد اینگونه روایات باید توجه داشت:

الف) این اخبار از جهت سند ضعیف بوده و اعتبار لازم را ندارد.
ب) این اخبار با چند گروه از احادیث دیگر تعارض و تضاد دارد:

1- از روایات متواتر بین شیعه و سنی فهمیده می شود حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه) به کتاب خدا و سیره پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) عمل می کند که در نزد آنها نژاد، جنس، قومیت و... مطرح نیست؛ بلکه ملاک و معیار، ارزش هایی همچون: ایمان، عمل صالح، تقوا، علم و جهاد می باشد قرآن صریحاً می فرماید: «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ اتَّقِيكُمْ» [78] همانا گرامی ترین شما نزد خداوند با تقواترین شما می باشد».

2- روایاتی که متضمن مدح و تمجید طوایفی از عرب در این زمینه می باشد؛ از باب نمونه: روایت طولانی حدیفة از پیامبر اکرم:

هنگام قیام قائم، منادی از آسمان ندا می کند: ای مردم، زمان حکومت جباران بر شما تمام شد... پس بشتابید به سوی مکه، سپس نجبا و نیکانی از مصر و ابدال و نخبگانی از شام و دسته جاتی از عراق که شب بیدارانی... هستند و گویا دل های آنان همچون پاره های آهن می باشد به سوی قائم می شتابند و با او بین رکن و مقام بیعت می کنند. [79] ج) در روایات متواتر شیعه و سنی، از مهم ترین کار حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه) ارائه شدن و بسط کامل عدالت و قسط در روی زمین است، پس از اینکه زمین پر از ظلم و جور شده است. [80] امام باقر (علیه السلام) فرمود: «قائم همانند رسول الله با عدالت با مردم روبرو می شود». [81] امام صادق فرمود:

به خدا قسم قائم ما عدالت را همچون گرما و... به کنج خانه های مردم می برد. [82] حضرت رضا (علیه السلام) فرمود:

آن حضرت ترازوی عدالت را بین مردم قرار می دهد، پس هیچ کس به دیگری ظلم نخواهد کرد. [83]

د) علاوه بر تحقق عدالت و قسط توسط حضرت قائم (علیه السلام) در بین مردم، الطاف دیگر نیز همچون رحمت و محبت نسبت به مردم شامل حال آنها می شود. از امام باقر (علیه السلام) نقل شده است:

قائم از اهل بیت مرا هر صاحب درد و مشکلی و یا دارای وضعی درک نمود، درد او رفع و ضعف او به قوت تبدیل می شود. [84]

حضرت رضا (علیه السلام) فرمود:

قائم برای همه مؤمنین موجب رحمت و برای کافرین موجب عذاب می باشد. [85]

ه) لفظ عرب در روایات می تواند اشاره به طاغیان و اعداء الله از عرب داشته باشد نه همه آنها، و روایاتی که در آنها تعبیر به «طغاة العرب» دارد، قرینه است بر این که منظور از عرب در سایر روایات نیز همین است.

رجعت یا بازگشت دوباره

یکی از حوادث مهم هنگام ظهور، موضوع رجعت و بازگشت نیکان و بدان به دنیاست که از جمله عقاید شیعه است. رجعت در فرهنگ دینی عبارت است از بازگشت حجت های الهی و امامان معصوم و گروهی از مؤمنان خالص و کفار و منافقان به عالم دنیا؛ یعنی ایشان به امر خداوند بار دیگر زنده می شوند و به دنیا برمی گردند و این دورنمایی از رستاخیز است که پیش از قیامت در همین عالم اتفاق می افتد.

امام باقر(علیه السلام) در ضمن روایتی که درباره رجعت آمده، فرموده اند: مؤمنان برمی گردند تا عزیز شوند و چشمان آنان روشن گردد و تبهکاران برمی گردند تا خداوند آنها را خوار کند. [86]

درست است که جایگاه اصلی برای پاداش و کیفر انسان ها، عالم آخرت است، ولی خدا اراده فرموده است که بخشی از اجر و کیفر آنها در همین دنیا عملی کند. هدف دیگر از رجعت، برخورداری مؤمنان از سعادت یاری حضرت ولی عصر(عجل الله تعالی فرجه) بیان شده است؛ این مهم در ضمن دعاها و نیز بیانات بعضی از علما مطرح شده است. سید مرتضی (م 436ق) از عالمان بزرگ شیعه می نویسد:

همانا خداوند هنگام ظهور حضرت مهدی(عجل الله تعالی فرجه) گروهی از شیعیان آن حضرت را که قبلا از دنیا رفته اند برمی گرداند تا به ثواب یاری آن حضرت نائل شوند. [87] در زیارت امام عصر در سرداب مقدس [88] سامراء آمده است:

مولای، فان ادرکنی الموت قبل ظهورک فانی اتوسل بک و بأبائک الطاهیرین الی الله تعالی و اسئله ان یصلی علی محمد و آل محمد و ان یجعل لی کرة فی ظهورک و رجعة فی ایامک لابلغ من طاعتک مرادی و اشفی من اعدائک فوادی؛ [89] اگر پیش از ظهور تو، مرگ مرا دریابد، به وسیله تو پدران پاکت به خدای بزرگ متوسل می شود و از او می خواهم که بر محمد و خاندان او درود بفرستد و برای من بازگشتی در ظهور تو و روزگار [دولت] تو قرار دهد تا به مقصود خود در زمینه اطاعت تو نائل شوم و قلبم را از [خواری] دشمنانت شفا دهم.

در آیات متعددی از قرآن، آشکارا جریان بازگشت افرادی از مردگان به دنیا مطرح شده است و روایات زیادی از اهل بیت(علیهم السلام) در تفسیر این آیات وارد شده است.

از نمونه های بسیار روشن رجعت و بازگشت به دنیا «جریان عزیز» است. او یکی از پیامبران بنی اسرائیل است که پس از مرگ، دوباره زنده شد و به دنیا بازگشته است. قرآن کریم می فرماید:

«أو کالذی مر علی قریه و هی خاویه علی عروشها قال انی یحیی هذه الله بعد موتها فاماته الله ماته عام ثم بعثه... فلما تبین له قال اعلم ان الله علی کل شیء قذیر». [90]

خلاصه داستان عزیز چنین است: او در مسیر خود از شهری گذشت که ویران شده و ساکنان آن همگی مرده و اجساد آنها پوسیده و استخوان های آنها خرد شده بود. با تعجب گفت: چگونه خداوند این مردگان را زنده خواهد کرد؟ در این هنگام خداوند جان او را گرفت و صد سال بعد او را دوباره زنده کرد و در برابر چشمانش، مرکب سواری او را که الاغی مرده و پوسیده بود، دوباره زنده کرد تا چگونگی رستاخیز انسان ها را به او نشان دهد.

نمونه دیگر بازگشت گروهی از قوم موسی(علیه السلام) به دنیاست. قرآن کریم می فرماید: «ثُمَّ بَعَثْنَاكَ مِنْ بَعْدِ مَوْتِكَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ» [91] آنگاه شما را پس از مرگتان برانگیختیم تا شاید

سپاسگزار باشید.»

این آیه در مورد هفتاد نفر از برگزیدگان قوم موسی (علیه السلام) است که همراه آن حضرت به کوه طور رفتند تا گفت و گوی موسی (علیه السلام) با خداوند را ببینند و گرفتن الواح از جانب خدا را شاهد باشند. وقتی گفت و گوی موسی (علیه السلام) را با خدا دیدند گفتند: «ای موسی! ما به تو ایمان نمی آوریم، مگر اینکه خداوند را آشکارا ببینیم». موسی (علیه السلام) آنها را از این خواسته بیجا و غیرممکن بازداشت، ولی آنها اصرار کردند و سرانجام به صاعقه الهی گرفتار شده و همگی مردند. موسی (علیه السلام) از این واقعه ناراحت شد و نسبت به پیامدهای آن در میان بنی اسرائیل نگران بود. بنابراین از خداوند خواست که آنها را به زندگی برگرداند. درخواست او پذیرفته شد و مطابق آیه یاد شده خداوند آنها را به زندگی دنیا برگردانید، [92] به گونه ای که طبق روایتی از امام علی (علیه السلام) [93] این عده به خانه های خود بازگشتند و مدتی زندگی کردند و صاحب فرزند شدند و پس از رسیدن اجلشان از دنیا رفتند. [94]

آیات بالا درباره رجعت در اقوام گذشته است، ولی آیاتی از قرآن، دلیل بر «رجعت به دنیا در آینده» است که دو نمونه را بیان می کنیم:

الف) قرآن کریم می فرماید:

«وَيَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا مِّمَّنْ يَكْذِبُ يَا أَيَّتَا فَهْمٌ يُوزَعُونَ؛ [95] روزی که از هر امتی گروهی را برمی انگیزیم از آنان که آیات ما را تکذیب می کردند، پس آنها بازداشته می شوند.»

در این آیه، سخن از روزی است که در آن، گروهی از مردم برانگیخته می شوند. بنابراین اشاره به روزی غیر از روز قیامت دارد. زیرا در قیامت همه انسان ها از اولین و آخرین محشور می شوند. مرحوم طبرسی در تفسیر مجمع البیان نوشته است که براساس روایات بسیار از اهل بیت (علیهم السلام) این آیه مربوط به گروهی از شیعیان حضرت مهدی (علیه السلام) و عده ای از دشمنان آن حضرت است که در دوران ظهور او به دنیا باز می گردند. [96]

در یکی از آن روایات آمده که از امام صادق (علیه السلام) درباره این آیه سؤال شد؛ آن حضرت فرمود: مردم در مورد آن چه می گویند؟ راوی گفت: آنها می گویند این آیه درباره قیامت است. امام صادق (علیه السلام) فرمود: «آیا خداوند در روز قیامت گروهی را بر می انگیزد و گروه دیگر را رها می کند؟! [اینگونه نیست] این آیه درباره رجعت است. اما آیه قیامت این آیه است [که خداوند می فرماید]:

«و حشرنا هم فلم نغا در منهم احداً» [یعنی: آنان را برانگیزیم و هیچ کس از آنها را وانگذاشتیم]. [97]

ب) قرآن کریم می فرماید:

«وَحَرَامٌ عَلَى قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا أَنَّهُمْ لَا يَرْجِعُونَ؛ [98] ممتنع است - باز آمدن به دنیا - بر مردم شهری که آن را هلاک کردیم که آنها برنمی گردند.

امام باقر و امام صادق (علیهم السلام) در تفسیر این آیه فرمودند:

هر قریه ای که خداوند اهل آن را با عذاب هلاک کرده است، در رجعت باز نمی گردند. این آیه از بزرگ ترین دلایل رجعت است. زیرا هیچ کس از مسلمانان منکر آن نیست که همه مردم در قیامت باز می گردند؛ چه کسی هلاک شده و چه کسی هلاک نشده است پس سخن خداوند [که فرموده] [باز نمی گردند] مربوط به رجعت است اما در قیامت [هلاک شدگان به عذاب الهی هم] باز می گردند تا در آتش داخل شوند. [99]

جزئیات مربوط به رجعت، مانند تعداد افراد رجعت کننده و نام آنها (چه نیکانی که برای همراهی با حضرت رجعت می کنند و چه آن هایی که برای کیفر و مجازات بازگرداننده می شوند)

چگونگی رجعت، زمان رجعت و بسیاری امور دیگر با توجه به اشکال در سند برخی روایات رجعت برای ما روشن نیست.

مدت حکومت

پس از اینکه عالم بشریت یک دوره بسیار طولانی از حاکمیت ظلم و ستم را پشت سر گذاشت، جهان با ظهور آخرین حجت پروردگار به سوی حاکمیت خوبی ها خواهد رفت و حکومت به دست حاکمان و نیکان قرار خواهد گرفت؛ و این وعده حتمی خداوند است. حکومت خوبان که با فرمانروایی امام مهدی(عجل الله تعالی فرجه) آغاز می شود تا پایان عمر دنیا ادامه خواهد یافت و دیگر روزگار ظلم و ظالمین تکرار نخواهد شد.

در سخنی که پیش از این از پیامبر(صلی الله علیه وآله) نقل شد آمده است که خداوند بزرگ حاکمیت آخرین پیشوای معصوم را به پیامبر اسلام(صلی الله علیه وآله) بشارت می دهد و در پایان می افزاید:

(پس از آنکه مهدی(عجل الله تعالی فرجه) به حکومت رسید) دولت او را دوام خواهم بخشید و پیوسته تا قیامت، روزگار (و حاکمیت زمین) را در دست اولیا و دوستان خود دست به دست خواهم کرد. [100]

بنابراین نظام عادلانه ای که امام مهدی(عجل الله تعالی فرجه) برپا خواهد کرد، دولتی است که پس از آن برای دیگران دولتی نخواهد بود و در حقیقت، تاریخ جدیدی از حیات بشر زیر سایه حاکمیت الهی شروع خواهد شد.

تردیدی نیست که مدت حکومت امام مهدی(علیه السلام) باید به قدری باشد که امکان تحول جهانی و استقرار عدالت در همه مناطق عالم وجود داشته باشد، ولی اینکه این هدف در چند سال قابل دسترسی است، قابل تخمین و گمانه زنی نیست و باید به روایات امامان معصوم(علیهم السلام) رجوع کرد. البته با توجه به قابلیت های آن رهبر الهی و توفیق و مدد غیبی برای آن حضرت و اصحاب و یاران شایسته ای که در اختیار اوست و آمادگی جهانی برای پذیرفتن حاکمیت ارزش ها و زیبایی ها در زمان ظهور، ممکن است که رسالت مهدی موعود(عجل الله تعالی فرجه) در زمانی نسبتاً کوتاه انجام شود و جریانی که بشریت در طول قرون متمادی از ایجاد آن ناتوان بوده است در کمتر از 10 سال اتفاق افتد.

روایاتی که مدت حکومت حضرت مهدی(عجل الله تعالی فرجه) را بیان می کند، بسیار گوناگون است؛ بعضی از آنها مدت حکومت آن حضرت را با 5 سال و تعدادی از آنها 7 سال و برخی دیگر 8 و 9 و 10 سال بیان کرده است. چند روایت هم مدت حکومت را 19 سال و چند ماه و بالاخره 40 سال و 309 سال برشمرده است.

گذشته از اینکه علت این همه اختلاف در روایات روشن نیست؛ پیدا کردن مدت واقعی حکومت از میان این روایات نیز ممکن نیست؛ به علاوه که مدت حکومت از مباحث اصلی مهدویت و دوران ظهور نمی باشد و ندانستن آن اشکالی در بحث ظهور امام مهدی(عجل الله تعالی فرجه) ایجاد نمی کند.

[1] . نور/55.

[2] الإرشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، ج2، ص340؛ «لَنْ تَنْقُضِيَ الْآيَامَ وَاللَّيَالِيَ حَتَّى يَبْعَثَ اللَّهُ رَجُلًا مِنْ أَهْلِ بَيْتِي يُوَاطِئُ اسْمَهُ اسْمِي يَمْلُؤُهَا عَدْلًا وَ قِسْطًا كَمَا مَلِئْتُ ظُلْمًا وَ جَوْرًا».

[3] کمال الدین و تمام النعمه، ج2، ص372؛ «يُطَهِّرُ اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ مِنْ كُلِّ جَوْرٍ وَ يَقْدِسُهَا مِنْ كُلِّ ظُلْمٍ... فَإِذَا خَرَجَ أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِهِ وَ وَضَعَ مِيزَانَ الْعَدْلِ بَيْنَ النَّاسِ فَلَا يَظْلِمُ أَحَدٌ أَحَدًا».

[4] بحارالانوار، ج52، ص340.

- [5] الغيبة طوسی، ص425، ح411.
- [6] همان، فصل7، ص426، ح412.
- [7] الغيبة نعمانی، باب14، ص365، ح17.
- [8] مراد مقام حضرت ابراهیم(علیه السلام) نزدیک خانه کعبه و مقصود از «رکن» رکن حجرالاسود است.
- [9] در روایتی آمده ست که خداوند را با نام عبرانی ندا می‌دهد، پس سیصد و سیزده نفر یاران آن حضرت برای او گرد آورده می‌شوند. (بحارالانوار، ج52، ص368) البته پذیرش این روایت محل تأمل است.
- [10] الغيبة نعمانی، باب14، ص394، ح67.
- [11] کمال الدین و تمام النعمه، ج1، باب32، ص603، ح16.
- [12] معجم الحادیث الامام المهدي، ج4، ص175، ح661.
- [13] بحارالانوار، ج51، ص71.
- [14] الغيبة نعمانی، باب13، ح26، ص335.
- [15] توبه/33.
- [16] بحارالانوار، ج52، ح131، ص362.
- [17] قرآن می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ؛ یعنی به راستی که خداوند به عدالت و نیکوکاری فرمان می‌دهد»؛ (نحل/90).
- [18] بحارالانوار، ج52، ح71، ص336.
- [19] کافی، ج1، کتاب العقل و الجهل، ص11، ح3.
- [20] بحارالانوار، ج52، ص336، ح71.
- [21] در دو بخش قبلی به تفصیل درباره عدالت دوران امام مهدی و کمال عقلی مردم در آن روزگار سخن گفته شد.
- [22] اشاره به آیه «انما المؤمنون اخوة...» همانا مؤمنان با یکدیگر برادرند؛ (حجرات/10)
- [23] کمال الدین و تمام النعمه، ج2، باب55، ص548، ح78.
- [24] بحارالانوار، ج52، ص372، ح164.
- [25] همان، ج52، ص364، ح138.
- [26] همان، ص33، ح68.
- [27] الغيبة طوسی، ص118، ح149.
- [28] اعراف/96.
- [29] ر.ک: منتخب الاثر، فصل7، باب3، ح4، صص589-593.
- [30] بحارالانوار، ج52، ص390، ح212.
- [31] همان، ج51، ح37، ص84.
- [32] همان، ج52، ح38، ص92.
- [33] توبه/33؛ فتح/28 و صف/9؛ «او خدائی است که پیامبرش را با هدایت و دین حق فرستاد تا آن دین را بر همه ادیان پیروز گرداند».
- [34] آل عمران/9.
- [35] این سخن نه یک ادعا بلکه یک واقعیت تاریخی است و مفسرین بزرگ از شیعه و سنی از آن سخن گفته‌اند. مثل فخر رازی در «التفسیر الکبیر»، ج16، ص33 و قرطبی در «تفسیر القرطبی»، ج8، ص121 و طبرسی در «مجمع البیان»، ج5، ص38.
- [36] «و با آنان (مشرکان) بجنگید تا اینکه (در زمین) فتنه و فسادى نماند و فسادى نماند و آئین همه، دین خدا گردد.» (انفال/39)
- [37] برای تأویل معانی مختلفی گفته‌اند و یکی از آنها معانی موجود در آیات است.
- [38] بحارالانوار، ج51، ص55، ح41.
- [39] خصال، باب اربعمائه، ح10، ص685.
- [40] نور/55؛ توضیح و تفسیر آیه در درس «امام مهدی در قرآن» همین کتاب بیان شد.

- [41] الغيبة نعمانی، ج35، ص240.
- [42] بحارالانوار، ج52، ح73، ص336.
- [43] نهج البلاغه، خطبه 138.
- [44] الغيبة نعمانی، باب21، ص333، ح3؛ «كَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَى شِيعَتِنَا يَمَسُجِدَ الْكُوفَةِ قَدْ ضَرَبُوا الْفَسَاطِيطَ يُعَلِّمُونَ النَّاسَ الْقُرْآنَ كَمَا أُتِرِلَ» البته نویسنده کتاب «عجیبترین دروغ تاریخ» ص137 روایت را غلط!!! چنین معنا کرده است: «مانند اینکه به شیعیان می‌نگرم، که چادرها را در مسجد کوفه برپا کرده‌اند و نشسته و قرآن جدید را به مردم می‌آموزند.» قبلا بیان شد در موارد متعدد در این کتاب روایات، غلط و برخلاف متن اصلی خبر، ترجمه شده است؛ و متأسفانه رعایت امانت در نقل اخبار نشده است.
- [45] کمال الدین و تمام النعمه، باب39، ص411، ح6.
- [46] الغيبة، نعمانی، ب13، ص238، ح19.
- [47] تاریخ ما بعد از الظهور، ج3، ص453.
- [48] بحارالانوار، ج52، ص337. در کتاب «عجیب ترین دروغ تاریخ» ص138 در مورد وضیت مساجد، فقط چنین آمده است: «مساجد را نابود می‌کند. از ابوجعفر نقل شده که گفت: وقتی که قائم ظهور کند، به کوفه می‌رود و 4 مسجد را نابود می‌کند. از ابوجعفر نقل شده که گفت: هیچ مسجد برپایی بر روی زمین نیست مگر اینکه امام زمان آن را نابود می‌کند و هموار می‌نماید.» و در ص140 می‌نویسد: کعبه و مسجد رسول الله(صلی الله علیه وآله) را ویران می‌کند. از مفضل بن عمر نقل شده که او از جعفر بن محمد سؤالهایی را در موردی مهدی و احوال او می‌پرسد. از جمله: سرورم او با خانه خدا چکار می‌کند؟ گفت: آن را نابود می‌کند و جز ستونهای آن چیزی باقی نمی‌گذارد که اولین خانه‌ای بود که در مکه و در زمان آدم ساخته شد، و به وسیله ابراهیم و اسماعیل اوج گرفت. و از ابوبصیر از ابوعبدالله؛ نقل شده که گفت: وقتی که قائم بیاید، خانه خدا و مسجد پیامبر(صلی الله علیه وآله) و مسجد کوفه را به روز اولش بر می‌گرداند». شما با خواندن نظر شیعه در این قسمت، متوجه می‌شوید نویسنده وهابی چگونه تصویر غلطی از باورهای شیعه ارائه می‌دهد.
- [49] صحیح بخاری، ج2، ص573، ح1506 و ج3، ص1232، ح3188 و ج4، ص1630، ح4214.
- [50] صحیح بخاری، ج2، ص574، ح1509.
- [51] صحیح مسلم، ج2، ص968، ح1333، کِتَابُ الْحَجِّ، بَابُ تَفْضِ الْكَعْبَةِ وَبَنَائِهَا.
- [52] سنن ابن‌ماجه، ج2، ص985، ح2955.
- [53] بحارالانوار، ج52، ص332.
- [54] همان.
- [55] توبه/107-110.
- [56] همان، ص333.
- [57] همان، ج45، ص189.
- [58] همان، ج52، ص333.
- [59] همان، ص323.
- [60] همان، ج51، ص73، ح19.
- [61] کافی، ج1، ص411، ح4.
- [62] بصائرالدرجات، ج1، ص258.
- [63] بحارالانوار، ج52، ص320، ح24.
- [64] ابراهیم/47.
- [65] روم/47.
- [66] اعراف/136.
- [67] توبه/14.
- [68] کمال الدین و تمام النعمه، ج1، ص252.
- [69] بحارالانوار، ج51، ص112.

- [70] کافی، ج 1، ص 465.
- [71] اسراء/15.
- [72] بحارالانوار، ج 52، ص 313.
- [73] توبه/33-32.
- [74] کمال الدین و تمام النعمه، ج 2، ب 58، ح 7؛ بحارالانوار، ج 52، ص 324، ح 36.
- [75] «... علی العرب شدید...». (بحارالانوار، ج 52، ص 318، حدیث 18).
- [76] «... اذا خرج القائم لم يكن بينه وبين العرب وقريش إلا السيف، ما يأخذ منها إلا السيف...». (الغیبة نعمانی، ص 234، حدیث 21).
- [77] «لايقوم القائم الا على... سيف قاطع بين العرب و اختلاف شديد بين الناس». (الغیبة نعمانی، ص 235، حدیث 22).
- [78] حجرات/13.
- [79] «اذا كان عند خروج القائم، ينادى مناد من السماء أيها الناس قطع عنكم مدة الجبارين... فالحقوا بمكة فيخرج النجباء من مصر والأبدال من الشام و عصائب العراق، رهبان بالليل... كأن قلوبهم زبر الحديد فيبايعونه بين الركن و المقام». (بحارالانوار، ج 52، ص 304، حدیث 73؛ ضمناً همین روایت با اندکی تفاوت در الغیبة شیخ طوسی، ص 476 آمده است).
- [80] منتخب الأثر، ج 2، ص 222 به بعد.
- [81] همان، ص 381.
- [82] همان، ص 362.
- [83] بحارالانوار، ج 52، ص 322.
- [84] همان، ص 335.
- [85] همان، ص 322.
- [86] همان، ج 53، ص 65، ح 55.
- [87] رسائل، ج 1، ص 125.
- [88] سرداب محلی است در کنار حرم امام هادی و امام عسکری (علیهم السّلام) که عبادتگاه این دو امام و نیز امام زمان (علیه السّلام) بوده است و شیعیان آنجا را زیارت می کنند.
- [89] مفاتیح الجنان: آداب سرداب مقدس، زیارت دوم صاحب الأمر (علیه السّلام)
- [90] بقره/259
- [91] همان، ص 56.
- [92] تفسیر نمونه، ج 1، صص 257-259.
- [93] بحارالانوار، ج 53، ص 73 و 129، ح 72.
- [94] آیات دیگری مانند بقره/259 و بقره/3 و بقره/243 نیز بر زنده شدن و بازگشتن به این دنیا دلالت دارد.
- [95] نمل/83.
- [96] مجمع البیان، ذیل آیه 83 سوره نمل.
- [97] بحارالانوار، ج 53، ص 51، ح 29.
- [98] انبیاء، ص 95.
- [99] بحارالانوار، ج 53، ص 52.
- [100] کمال الدین و تمام النعمه، ج 1، باب 23، ح 4، ص 477.